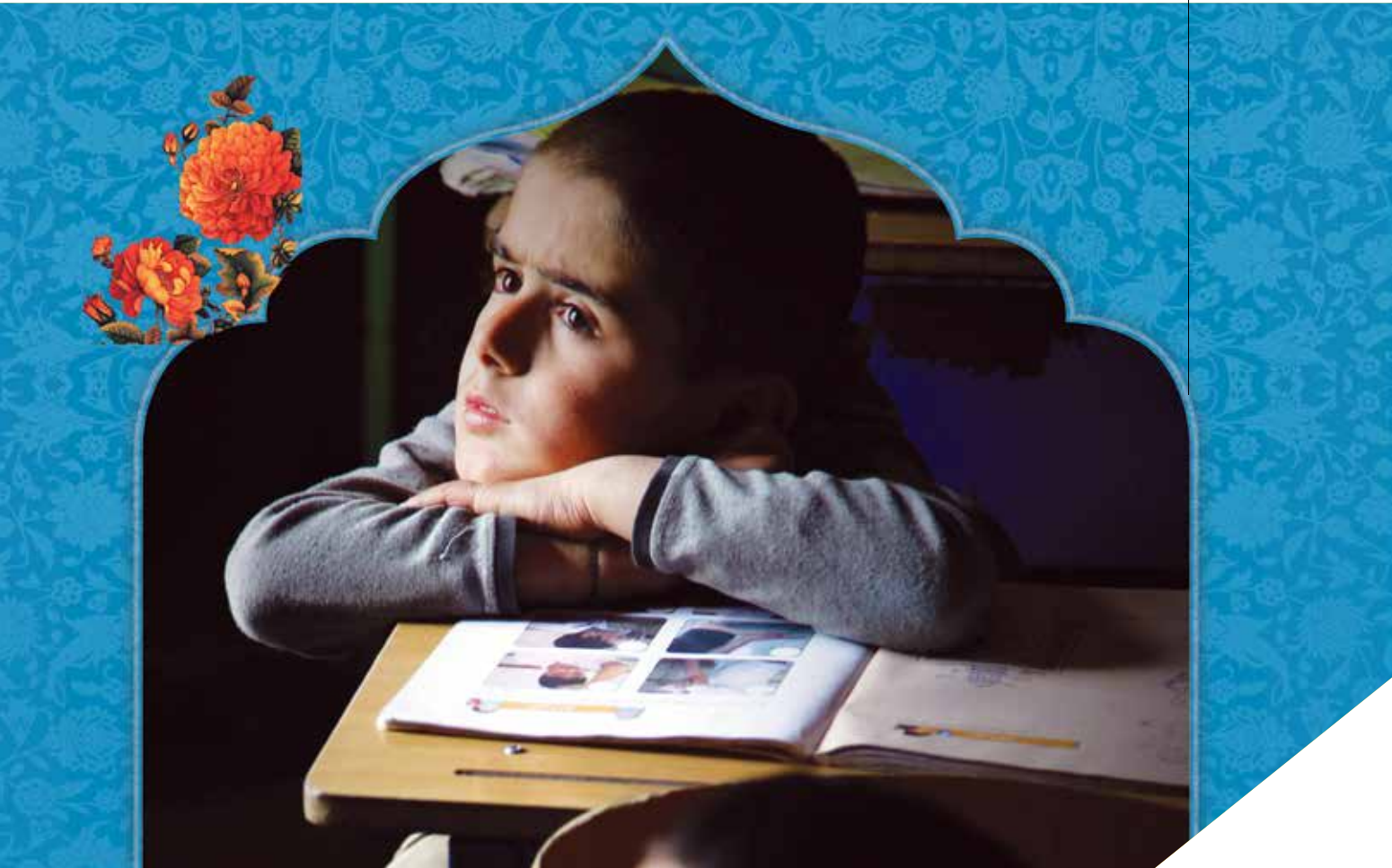


چهارراه خدائشناسی

نویسنده: دیوید سینوس

ترجمه و تلخیص: سعید خدائیان

دکترای فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی



از خدا می‌رسند و در واقع به خداوند احساس نزدیکی می‌کنند.

اولین‌الگویی که سینوس معرفی می‌کند، «رویکرد کلام‌محور به معنویت^۱» است. او شناخت را مبنای ایمان می‌داند و عقل و منطق را راه مهمی برای شناخت خداوند به شمار می‌آورد. همچنین اذعان می‌کند، گروهی از کودکان، خداوند را از طریق شناخت تجربه

در سال ۲۰۱۰ دیوید سینوس^۱ مطالعاتی را برای ارزیابی روش‌های معنوی کودکان و چگونگی شناخت آن‌ها از خداوند انجام داد و نتایج تحقیقش را با عنوان «چهار راه شناخت خدا^۲، بررسی روش‌های معنوی کودکان^۳» منتشر کرد. ایشان طی مطالعات عمیق کیفی روی کودکان، در نهایت چهار روش و الگو معرفی می‌کند که کودکان از طریق آن‌ها به درکی



لازم و ضروری است تمام معلمان و مربیان فضاهایی را ایجاد کنند تا از چهار روش معنوی استفاده شود

دربر دارد. دور شدن از هر کدام از این چهار سبک یا تمرکز بر تنها یک سبک، ممکن است به افراطی‌گری یا انحراف از سبک معنوی منجر شود. هر سبک حد و حدودی دارد که «می‌تواند به محدود کردن یا آسیب‌رساندن به رشد شخصی و اجتماعی منجر شود.» بنابراین، پرورش و تربیت کردن معنویت سالم، شامل ایجاد محیط و شرایطی است که با هر جنبه، هر کدام

از سبک‌ها و روش‌های چهارگانه شناخت خدا برانگیخته و القا شود؛ به طوری که همه آن‌هایی که حضور دارند، بر اساس روش و سبک غالب و عمده‌شان، درگیر شوند و پرورش یابند و چالشی برای ابراز و کشف راه‌های تجربه کردن خدا باشند.

در نتیجه‌گیری این مقاله آمده است: در این گستره و تنوع، چهار دریچه و شاهراه معنوی حیاتی به اثبات رسیدند: ۱. راه و

مسیر عقلانی؛ ۲. راه و روش عاطفی؛ ۳. روش رمز و راز؛ ۴. راه عدالت. بنابراین، جماعت و سازمان‌هایی که به تربیت معنوی کودکان به روش‌های خاص خودشان علاقه‌مندند، روش‌های معنوی متفاوتی را مورد توجه قرار دهند که نتیجه حاصل از آن شناخت و تجربه خداوند در زندگی واقعی آن‌ها باشد و این نیز از طریق فعالیت و درگیر شدن فعال امکان‌پذیر است.

لازم و ضروری است، تمام معلمان و مربیان فضاهایی را ایجاد کنند تا از هر چهار روش معنوی استفاده شود؛ به منظور اینکه در تمام کودکان احساس معنوی و انطباق با آن به وجود آید. افرادی که چنین احساس انطباقی را در خود ایجاد نکنند، در خصوص معنویت چندان احساس خوشایندی نخواهند داشت. همین امر می‌تواند آن‌ها را از فضای معنوی دور کند. بنابراین، غنای تنوع معنوی دیگران را در معرض تغییر قرار می‌دهد.

لازم به ذکر است هدف این مقاله، تبادل دیدگاه‌های علمی است و این قبیل موضوعات برای آشنایی بیشتر مخاطبان با دیدگاه‌های گوناگون، در مجله درج می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

1. David M.Csinos
2. Four ways of knowing God
3. Exploring children's spiritual styles
4. a word – centered approach to spirituality
5. An emotional – centered approach to spirituality
6. A symbol-centered approach to spirituality
7. An action-centered approach to spirituality

منبع

Journal of Childhood and Religion Volume 1, Issue 8 (December 2010)
Sopher Press (contact jcr@sogherpress.com)

می‌کنند و از راه گفت‌وگو درباره خداوند، احساس نزدیکی به خدا می‌کنند. ایشان برای رسیدن کودکان به درک بهتری از خداوند، به مکان‌هایی که در آنجا در مورد خدا صحبت می‌کنند، همچنین گفت‌وگوی معلم و پدر و مادر در مورد خداوند و خواندن نوشته‌هایی در این باره، اشاره می‌کند.

دومین روشی که سینوس معرفی می‌کند، «رویکرد احساس‌محور به معنویت»^۴ است. از نظر او، گروهی از کودکان زمانی به خداوند احساس نزدیکی می‌کنند که احساساتشان تحریک شود. او اشاره می‌کند، خلاقیت، بیان احساسات، و تمایل به خدا یک واقعیت است. از نظر او هنر، راهی کلیدی برای کودکان این سبک است. سومین روش، «رویکرد نمادمحور به معنویت»^۵ است. در رویکرد نمادمحور، کلمات از توصیف خدا قاصرند. بر این اساس، خداوند را بیشتر بر اساس رمز و راز می‌توان شناخت. جهان طبیعت از ویژگی‌های قابل توجه این سبک معنوی است. همچنین، ویژگی مهم این سبک، رمزآلود بودن آن است. به نظر او حضور کودکان در مکانی بی‌سروصدا و در دامن طبیعت، باعث ایجاد حس نزدیکی آنان به خداوند می‌شود.

چهارمین روش، «رویکرد عمل‌محور به معنویت»^۶ است. دیوید سینوس سبک عمل‌محور را کامل‌ترین سبک می‌داند. کودکان این سبک زمانی که به دیگران خدمتی می‌کنند که در راستای عدالت اجتماعی است، و یا هنگامی که تحت تأثیر رفتار عادلانه دیگران قرار می‌گیرند، احساس نزدیکی به خداوند می‌کنند.

در حالی که رویکرد کلام‌محور بر اساس اهمیت لغت است، در رویکرد عاطفه‌محور به معنویت، احساسات و عواطف در مرکز و هسته زندگی معنوی قرار دارند. برای رویکرد نمادمحور به معنویت، کلمات از توصیف خداوند و تجربه‌های معنوی قاصرند. جهان طبیعی (طبیعت) از دیگر ویژگی‌های این سبک از معنویت است. همانند سبک و رویکرد نمادمحور، رویکرد عمل‌محور اثبات و تصدیق می‌کند که خداوند و زندگی معنوی نمی‌توانند به‌طور کامل برای همدیگر توضیح داده شوند. اگرچه این سبک معنوی باعث می‌شود مردم کارهایی فراتر از دعا و نماز و نیایش برای دنیا انجام دهند و به‌طور فعالانه به دنبال انتقال آن باشند. طبق سنت پیامبران و حکیمان الهی، هدف انتقالی از این سبک، تغییر جنبه‌های ناراحت‌کننده و مضر و آسیب‌رسان جامعه است و بر حضور عشق و علاقه الهی و عدالت تأکید دارد. در حالی که اغلب مردم یک یا دو روش و سبک غالب و برجسته را ابراز می‌کنند، حالت روحانی و معنوی سالم، شواهدی از تعادل بین این چهار روش معنوی را